نشریه هنرهای زیبا • شماره ۲۳ • پاییز ۱۳۸٤

نسبت تئاتر دفاع مقدس و نمایش مذهبی

دکتر مجید سرسنگی *

تاریخ دریافت مقاله: ۸۳/۱۰/۶
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۴/۷/۲

چکیده:

از زمان پیدایش گونه تئاتری دفاع مقدس، بر اساس مضامین مرتبط با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بسیاری از مخاطبین این تئاتر و از جمله هنرمندان و صاحب نظران، تئاتر دفاع مقدس را در مجموعه نمایش های مذهبی طبقه‌بندی کرده‌اند. این طبقه بندی هرچند عمومیت داشته و دارد، اما از چندان مبنایی علمی برخوردار نیست.

بررسی ویژگی‌های اصلی نمایش مذهبی از جمله مضامین، شخصیت‌ها، نمادگرایی، کمیت و کیفیت مخاطب، مشارکت تماشاگر در اجرا و مکان اجرای نمایش نشان می دهد که تئاتر دفاع مقدس با نمایش‌های مذهبی تفاوتی قابل تأمل دارد.

با توجه به پاره‌ای مشابهت‌ها بین نمایش های مذهبی و تئاتر دفاع مقدس و با توجه به این نکته اساسی که فضای کلی تئاتر دفاع مقدس به مبانی عقیدتی و مذهبی جامعه مرتبط است، شاید بتوان با استفاده از ویژگی‌های نمایش مذهبی در این تئاتر راهی برای عمومیت بخشی به تئاتر دفاع مقدس، پایداری و توسعه آن یافت.

واژه‌های کلیدی:

تئاتر دفاع مقدس، نمایش مذهبی، مشارکت تماشاگر در اجرا، نمایش آئینی، هنر مقدس.

* استادیار دانشکده ی هنرهای نمایشی و موسیقی، پردیس هنرهای زیبا - دانشگاه تهران.

majidsarsangi@yahoo.com

مقدمه

" تئاتر دفاع مقدس "، یعنی گونه ای از تئاتر که مربوط به وقایع و حوادث دفاع مردم ایران در مقابل تهاجم نظامیان عراقی است، از همان آغاز پیدایش در افکار عمومی، از جمله هنرمندان، در قلمرو "نمایش مذهبی" طبقه بندی شده است. به عبارت دیگر تصور عمومی از تئاتر دفاع مقدس، نوعی نمایش را در ذهنیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه جای داده است که می تواند نمایشی مذهبی را تداعی کند.

برای این امر دلایل بسیاری می توان برشمرد، از جمله اینکه موضوعات بکار رفته در این نمایش ها، خصوصاً در دوران اولیه جریان تئاتر دفاع مقدس، که از سال های اولیه جنگ آغاز و تا سال های پایانی آن امتداد می یابد، تئاتر از ارزش های مذهبی جامعه برخوردار است. از سوی دیگر هنرمندانی که بیشترین نقش را در خلق آثار نمایشی مربوط به دفاع مقدس داشته اند، معمولاً در تقسیم بندی‌های متداول به عنوان هنرمندان مذهبی معرفی شده اند، بنابراین آثار آنها نیز نوعی هنر مذهبی تلقی شده است. در کنار این دلایل شاید بتوان حمایت نسبی حکومت را به عنوان حکومتی دینی، تائید کننده ضمنی این تصویر دانست. اما واقعیت آن است که ما هیچگاه از منظر یک استدلال علمی موضوع نسبت تئاتر دفاع مقدس و نمایش مذهبی را مورد جستجو و بحث قرار نداده ایم.

مقاله حاضر تلاش می کند با روشی علمی این نسبت را مورد کنکاش قرار داده و به این پرسش پاسخ گوید که: آیا آنچنانکه تصور عمومی و سلیقه فرهنگی جامعه اظهار می دارد تئاتر دفاع مقدس واجد ویژگی های نمایش مذهبی هست یا خیر؟

پس از یافتن پاسخ مورد نظر این مقاله به دومین رویکرد خود خواهد پرداخت که اتفاقاً به عقیده من در شرایط حاضر مقوله‌ای اساسی در حوزه تئاتر دفاع مقدس محسوب می شود. این رویکرد شامل این زمینه است که استفاده از ویژگی های نمایش مذهبی در ساختار و محتوای تئاتر دفاع مقدس قادر خواهد بود به توسعه، پایداری و ارتقاء کیفی این تئاتر کمک بسزائی کرد و آنرا از محاق محجوری نجات دهد.

نمایش مذهبی، تعریف‌ها و ملاحظات

بصورت کلی دو نظریه متفاوت دربارهٔ هنر در جوامع اولیه و بدوی وجود دارد. برخی از محققین مانند لووی (Lowie) معتقدند که در این جوامع دو نوع هنر مجزا از یکدیگر قابل مشاهده است.

هنر مقدس یا دینی و هنر غیر دینی. وی در تشریح این نظریه می گوید: هنر مقدس و دینی در جوامع بدوی کاملاً از هنر غیر دینی متمایز بوده و وضعیت متفاوتی را از خود به نمایش می‌گذاشت و هر نوع از این هنرها هویت و تأثیر خاص خود را در جامعه داشت (Lowie, 1998, 26) .

در مقابل این، عقیده آن دسته از محققین قرار می گیرند که معتقدند تمام اشکال هنری جوامع بدوی قدسی و مربوط به مذهب مردم بوده است. به طور مثال نصر این بحث را مطرح می‌کند که به علت نشأت گرفتن تمامی سنت‌ها در جوامع بدوی از تفکر مبتنی بر جهان ماوراء همه فعالیت ها و افعال در این جوامع - از جمله آثار هنری - به نوعی به منشاء و مبدائی مقدس پیوند خورده است. از منظر او در جوامع بدوی هنرمند یک انسان ویژه نبوده، بلکه هر انسان یک هنرمند ویژه محسوب می شود (Nasr,2000). به عقیدهٔ برالو (Bralove) به علت این منشاء قدسی و ماورائی هیچ تفاوتی بین زندگی مذهبی و غیر مذهبی انسان‌ها قابل تشخیص نیست و به همین خاطر است که نمی‌توان مرز مشخص و قابل تفکیکی بین هنر مذهبی و هنر غیرمذهبی قایل شد (Bralove,2000) . امروزه بسیاری از محققین و نظریه پردازان مذهب و هنر بر این نکته صحه گذاشته‌اند که به علت رابطه بسیار نزدیک و تنگاتنگ مذهب و هنر در جوامع بدوی نمی توان هنر آن جوامع را بدور از ارزش‌ها و پندارهای مذهبی خالقین آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. اسمارت (Smart) یکی دیگر از این پژوهشگران است که معتقد است : "مقاصد هنرهای بدوی بصورت قوی با اعتقادات مذهبی مرتبط بودند" (Smart, 1969, 640) .

در میان همه اشکال هنری خلق شده توسط انسان‌های نخستین، شاید آئین‌های نمایشی از جمله مهمترین و قابل توجه‌ترین آنها مسحوب شوند. این امر به خاصیت شباهت قابل

تأمل آئین با زندگی بشر و ظرفیت بالای آن برای تفسیر مقصود متعالی انسان برای ارتباط با دنیای ماوراءالطبیعه باز می گردد؛ خاصیتی که هر چند در سایر اشکال خلق شده توسط بشر نخستین مانند نقش‌های تصویر شده بر دیوارهای غارها و تنه درختان و مجسمه های نمادین نیز دیده می شود ، اما در آئین‌های نمایشی با استفاده از عناصری مانند سرودها و آوازهای مذهبی، رقص، صحنه آرایی، آرایش صورت و بدن، لباس‌های ویژه و بهره گیری از مشارکت مؤثر تماشاگران، مفهومی عمیق تر و مؤثر تر را از خود بجای می گذارد.

بسیاری از محققین بر این باورند که تئاتر از دل آئین‌هایی مذهبی پدید آمد که بصورتی قوی از عناصر نمایشی بهره می‌گرفتند. نظریه منشاء آئینی تئاتر به عنوان موضوعی جدی در تاریخ این هنر، از ابتدا تا کنون، در پی تفسیر شکل گیری هنر تئاتر بر اساس ساختاری نمایشی بوده است که نمایانگر تلاش بشر برای ارتباط با نیروهای ناشناخته یا فوق انسانی از راه نمایش بیرونی یا درونی و اندیشهٔ مذهبی اوست. از این منظر نمایش به عنوان هنری خاص در کنار سایر هنرهای انسان ساخته به جنبهٔ روحانی زندگی بشر در رابطه او با نیروهای فوق طبیعت باز می گـــردد (Wikham, 1992) . به عقـــیدهٔ هانینگر (Hunningher) در آغاز، انسان با حوادث و وقایعی ناشناخته روبرو بود که زندگی اش را بطور جدی مورد تهدید قرار می داد. از نظر انسان اولیه برقراری رابطه با نیروهای مافوق طبیعت می توانست او را در برابر این حوادث ناخوشایند حمایت کند. برای برقراری این ارتباط نیاز به کانال مطمئنی بود که بتواند تمام منظور او را بدرستی به‌ساکنین برتر دنیای مافوق انتقال دهد؛ پس رقص، آواز و حرکات نمایشی نمادین و اجرای آئین های خاص این وظیفه را به عهده گرفتند (Hunningher, 1967) .

چهار گروه مهم آئین‌های نمایشی یعنی آئین‌های شکار (Hunting Rites)، آئین‌های کشاورزی (Agricultural Rites)، آئین‌های پرستش (Worship Rites) و آئین‌های جادوئی (Magic Rites) حاصل این تلاش بشر برای حل مشکلات او از طریق تمسک به نیروهای فوق بشری بود. این آئین‌ها در طول زمان به حیات خود ادامه داده و با پیشرفت تجربه و تعقل انسان نه تنها از اهمیت آنها کاسته نشد بلکه با تکثر در اشکال گوناگون دیگر و بهره گیری از حس اسطوره طلبی انسان پایه گذار نمایش های کامل‌تری چون آئین‌های نمایشی مصر باستان ، یونان و تمدن‌های کهن شرقی شد.

ویژگی‌های نمایش‌های مذهبی

نمایش‌های مذهبی از بدوی ترین آنها تا کاملترینشان واجد ویژگی‌هایی هستند که آنها را به عنوان گونه‌ای خاص از نمایش در طول تاریخ این هنر معرفی کرده است. این ویژگی ها مانند خود ماهیت هنر نمایش از پیچیدگی بسیاری برخوردارند. این پیچیدگی مانع از آن است که بتوان همه ویژگی‌های مورد نظر را اولاً از نظر کمی برشمرد و ثانیاً از نظر کیفی در یک مجال اندک بررسی کرد. بر خلاف تصور اولیه، نمایش‌های مذهبی علی رغم سادگی ظاهری از چنان تنوع و وسعت عملی برخوردارند که شاید به سختی بتوان همهٔ آنها را در یک دستهٔ واحد قرار داد و سپس ویژگی‌های مشترکشان را برشمرد. با این حال تا آنجا که حوصله و مقصود این مقاله اجازه می دهد، می توان به اصلی‌ترین ویژگی های این نمایش‌ها اشاره کرد - و البته این ویژگی‌ها را در مقیاس تئاتر دفاع مقدس محک زد:

الف - موضوع (Subject)

موضوع در نمایش‌های مذهبی، با یک دید کلی، متضمن رابطه انسان و نیروهای مافوق طبیعت از یک سو، ستیز دائم بین نیروهای خوب و شرور از سوی دیگر و نیز استناد به اخلاقیات برای رسیدن به سعادت است.

رقص جنگجویان قبایل بدوی به دور آتش پیش از شکار، اوراد سحر آمیز شمن ها برای رفع بلا و مرض، دسته روی کاهنان مصری و یونانی در ستایش و بزرگداشت خدایان و اسطوره های آنان، تعزیه های قرون وسطایی و .... همگی وظیفه‌ای یکسان بر عهده داشتند: توجه دادن بشر به دنیایی فراسوی زندگی مادی و نیروهای مافوق نیروی بشر که قادرند سعادت، سلامت و آرامش او را تضمین کنند. نکته قابل توجه در این موضوعات تأکید بر موضوعات جدی و بنیادین زندگی بشر است. این موضوعات به واسطه همین بنیادگرایی محدوده زمانی و مکانی را در می نوردند و به نوعی جاودانگی پیوند می‌خورند. بنابه این علت اجرای مکرر این نمایش‌ها نه تنها از اهمیت آنها نمی کاهد بلکه در هر دوره خاص زمانی مفهومی جدیدتر و متناسب با شرایط خاص زندگی انسان در آن دوره خاص از خود بجای می گذارد.

تئاتر دفاع مقدس نیز به یک اعتبار به یکی از موضوعات جدی زندگی بشر یعنی جنگ و کشته شدن در راه آرمان‌های بشری اشارت دارد. از این بابت شاید بتوان رابطه ای بین موضوعات نمایش‌های مذهبی و تئاتر دفاع مقدس یافت، اما نگاه جزئی تر و تحلیلی تر نشان می دهد که موضوعات تئاتر دفاع مقدس علی‌رغم ارزشمند بودن و ارزشی بودن شیوه "خاص" بودن را بیشتر از "عام" بودن مورد توجه قرار داده و نتوانسته‌اند چون نمایش‌های مذهبی بر محدودهٔ زمانی و مکانی فائق آیند. شاید به‌این خاطر است که امروزه حتی در بین نمایشگران دفاع مقدس پرداختن به موضوعات مربوط به زمان جنگ به عنوان امری "تاریخ مصرف گذشته" تلقی شده و بیشترین تأکید بر موضوعات پس از جنگ مانند مسائل مربوط به جانبازان، آزادگان، خانواده های ایشان و سایر موضوعات از این دست می شود.

ب -- شخصیت (Character)

شخصیت های نمایش‌های مذهبی را می توان به دسته های زیر خلاصه کرد:

۱. خدایان
۲. نیمه خدایان
۳. جادوگران و رابطین با دنیای ماوراء الطبیعه
۴. روحانیون و کاهنان
۵. ارواح و اجنه
۶. اسطوره ها و قهرمانان حوزه های اخلاقی و مذهبی

این شخصیت ها و احتمالاً انواع دیگری که شاید در یک طبقه‌بندی گسترده تر محل اشاره داشته باشند، بر خلاف رویکرد شخصیت پردازی مبتنی بر خصلت‌های مجتمع و ابعاد مختلف فردی ،دایر بر یک یا چند خصلت ویژه و عموماً در رابطه با رویکرد عقیدتی شخصیت می باشند (Hanningher,1967) . این شخصیت‌ها همچنین با تمایزی قابل مشاهده نسبت به جایگاه شخصیت، خصوصاً در نمایشنامه های اوائل قرن بیستم، خود محور اجرای نمایش نبوده و صرفاً در راستای کار ویژه نمایش یا هدف نهایی آئین نمایشی انجام وظیفه می کنند. از سوی دیگر هر گروه از شخصیت‌های یادشده به نوعی نسبت به شخصیت های رئالیستی از اختلافاتی چشمگیر برخوردارند.

شخصیت‌ها در تئاتر دفاع مقدس بر خلاف طبقه بندی انجام‌شده از شخصیت‌های نمایش‌های مذهبی، انسان‌هایی عادی با شیوه شخصیت پردازی کلاسیک و دارای هویتی جغرافیائی ، عقیدتی و اجتماعی هستند. هر چند تلاش نمایشگران دفاع مقدس در ارائه وجوهات مثبت این شخصیت‌ها در مقابل شخصیت کدر و منفور دشمنانشان، باعث می شود تا شخصیت‌های تئاتر دفاع مقدس نسبت به انسان‌های معمولی دارای ویژگی‌هایی برجسته ، ارزشمند و روحانی به نظر آیند ، اما این نوع از شخصیت پردازی قادر نبوده است تا با فعال کردن ظرفیت های شخصیت های مورد نظر و پیوند آنها با مسائل عمیق و قابل تأمل زندگی بشری به فرایند اسطوره سازی و شخصیت سازی بر مبنای تبدیل شخصیت به پدیده ای قابل پذیرش به عنوان یک هویت ملی و دینی دست یابد. در میان شخصیت های خلق شده در حیطه تئاتر دفاع مقدس به کمتر نمونه هایی برخورده‌ایم که قابلیت ماندگاری در فرهنگ عمومی، ذهن و خیال مخاطبین را داشته باشند - هرچند که البته نمی‌توان منکر وجود یک چنین نمونه هایی شد ، اما عمومیت رویکرد شخصیت پردازی در این حیطه همان است که اشاره شد.

نکته قابل توجه در رابطه با شخصیت های تئاتر دفاع مقدس آن است که هر چه ما از دوران جنگ و نمایش‌هایی که بر اساس موضوعات مربوط به مقابله نیروهای دو کشور با یکدیگر تنظیم شده اند دور می‌شویم، هاله اسطوره مسلکی شخصیت‌ها کم‌رنگ تر شده و بر وجوهات این جهانی آنها افزوده می‌شود. به نظر می رسد شخصیت‌های فعلی بتدریج نسبت به آرمانخواهی های خود دچار تردید شده و بیشتر از آنکه در فضایی اسطوره ای دغدغه های فراشخصی را به نمایش بگذارند، درگیر وضعیت موجود و بحران‌های فردی خود هستند.

ج-مشارکت تماشاگر در اجرا (Audience Participation in Performance)

یکی از ویژگی‌های مهم نمایش‌های مذهبی، حضور پررنگ و معنا بخش تماشاگر در جریان نمایش است. این مشارکت در نمایش را به چند تعبیر مختلف می توان عنوان کرد:

۱. تماشاگر به لحاظ عاطفی یا بر مبنای قوی عاقله با نمایش و آنچه که در آن می گذرد ارتباط برقرار کرده و به نوعی خود را در جریان نمایش قرار می دهد.
۲. تماشاگر در برخی از قسمت‌های نمایش، حسب نیاز، ایفای نقش می کند. این ایفای نقش از روی قصد قبلی و بر اساس سنت های پیشین رخ می دهد.
۳. تماشاگر چنان تحت تأثیر نمایش قرار می گیرد که بدون قصد قبلی و بر اساس خلاقیتی آنی خود را به گروه بازیگران ملحق کرده و جزئی از جریان نمایش می شود.

دربرخی از نمایش‌های مذهبی مشارکت تماشاگر چنان از قوت و شدتی برخوردار می شود که در پاره‌ای از نمایش‌ها نمی‌توان تفکیک قابل تمیزی بین بازیگر و تماشاگر قائل شد. به‌عبارت دیگر در این نمایش‌ها بازیگر همان تماشاگر و تماشاگر همان بازیگر است (Cassady, 1997).

در تئاتر دفاع مقدس هر چند بنا به تعلقات خاطر برخی از تماشاگران و نیز پیدایش جوی پراحساس - که معمولا مشخصه پردازش به موضوعات پیرامون جنگ است - نوعی مشارکت با نمایش قابل لمس است، اما به خاطر اینکه قالب تئاتر دفاع مقدس، مانند تئاتر های غربی، مبتنی بر تفکیک تماشاگر و بازیگر و قایل شدن نقش‌های جداگانه برای این دو نهاد اصلی نمایش است، پدیداری مشارکت از نوع نمایش‌های مذهبی بسیار دست نایافتنی به نظر می‌رسد. در این تئاتر بازیگر همان بازیگر و تماشاگر همان تماشاگر است.

د - وسعت دایره مخاطبین

از دیگر ویژگی‌های نمایش‌های مذهبی دایره وسیع مخاطبین آنها است. به عبارت دیگر نمایش مذهبی برای انتقال مفاهیم خود سعی بر یافتن مخاطب بیشتر دارد (Arnott,1991). البته طبیعی است که همهٔ تماشاگران این نمایش‌ها با یک هدف واحد

یا انگیزه ای مشترک به تماشای اجرا نمی نشینند و شاید همین موضوع هم یکی از ویژگی های جالب توجه این نمایش ها باشد که قادر است طیف وسیعی از تماشاگران را - فارغ از سلیقه ها و انگیزه های آنان - به محل اجرا بکشاند.

تئاتر دفاع مقدس علی رغم همه ارزش های آن، در طول سالیان پس از حیات خود نتوانسته است دایره مخاطبین خود را گسترش دهد. حتی شاید بتوان اینگونه ادعا کرد که با پایان‌گرفتن جنگ بخشی از این مخاطبین انگیزه خود را برای حضور در اجراهای این گونه نمایش ها از دست داده و تماشاگران تئاتر مورد نظر از نظر کمی کاهش یافته یا حداقل با رشد قابل توجهی روبرو نبوده اند. از سوی دیگر و از نظر طیف اقشار مختلف اجتماعی و طبقات گوناگون نیز باید گفت که این تئاتر مانند سایر گونه‌های تئاتری ما - به دلایلی که ذکر آنها در مجال این مقاله نیست - بشدت در حال خاص شدن است.

هـ - محیط فیزیکی اجرای نمایش (Physical Environment of Performance)

محیط فیزیکی اجرای نمایش های مذهبی نیز از خصلت های ویژه ای برخوردار بوده و هستند. مهمترین فضاهایی را که این نمایش ها در آن اجرا شده یا می شوند می توان به گروههای ذیل تقسیم بندی کرد:

۱. مکان های مقدس و مذهبی مانند مزارها ، معبدها ، گورستان ها و ....
۲. مکان های عمومی مانند بازارها ، کاروانسراها ، میدان ها و ...
۳. بصورت دسته روی در جاده ها ، خیابان ها ، گذرگاه ها و ....

از سوی دیگر این فضاها فارغ از مکان جغرافیایی از چند ویژگی اساسی برخوردارند:

۱. با محتوای مذهبی نمایش ها تناسب و همخوانی دارند.
۲. بر خلاف فضاهای قاب صحنه ای مرز مشخصی بین تماشاگر و بازیگر وجود ندارد.
۳. این فضاها امکان مشارکت هر چه بیشتر تماشاگر در نمایش را ایجاد می کنند.
۴. فضاهای یادشده نزدیک به زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم هستند.
۵. این فضاها تلاشی برای نشان دادن واقعه نمایش به عنوان یک اتفاق واقعی نکرده و بالعکس اصرار بر یادآوری مرام این نکته به تماشاگر دارند که آنچه در صحنه اتفاق می افتند تنها یک نمایش است (Carlson, 1989).

تئاتر دفاع مقدس بر خلاف این ویژگی ها که ذکر شد چندان به دنبال فضای خاص اجرای خود نبوده است. عمدهٔ تئاتر های این حوزه در سالن ها و آمفی تئاترهایی بروی صحنه رفته اند که محصول تفکر خاص تئاتر غربی است. اگر اجراهایی را که در میادین نبرد، اماکن تجمع رزمندگان و فضاهای موقتی ساخته شده برای اجرای این نمایش ها از کلیت این موضوع خارج کنیم، باید اذعان کرد که محیط اجرای این تئاترها در سایر موارد تفاوت چندانی با سایر اجراهای تئاتری با مضامین غیر دفاع مقدس نداشته است.

و - نمادگرایی (Symbolism)

نمایش های مذهبی بشدت نمادگرا هستند. این نمادگرایی نه تنها در مضامین بلکه در شخصیت ها، فضا، گفتگوها و سایر عناصر شکل دهنده به این نمایش ها بخوبی قابل لمس هستند. نمایش های مذهبی نمادگرایی خود را مرهون خاصیت نمادین مذهب در زندگی بشر هستند. شاید گزافه نباشد اگر ادعا کنیم بشر با نماد زاده شد و در طول تاریخ زندگی خود بیش از هر موضوع دیگر نسبت به نمادسازی و استفاده از این نمادها در زندگی فردی واجتماعی خود بهره برده است (Comstock, 1971). نمایش به عنوان الگویی تمام عیار از زندگی یکی از بهترین محمل ها برای استفاده از نماد برای نگاهی دگرگونه و متفاوت نسبت به رابطه انسان با جهان پیرامونش بوده است. نمادگرایی در نمایش های مذهبی به حدی مهم و شایان توجه است که بنا به‌عقیده استیس (Stace) نمی توان یک نمایش مذهبی را بدون توجه به نمادهای بکارگرفته در آن تفسیر کرد (1924). البته آنگونه که ناس (Noss) تاکید می کند، این خصوصیت نه فقط در نمایش بلکه در کلیه آثار هنری انسان اولیه قابل تعمیم است (1956).

در تئاتر دفاع مقدس - لااقل در نمایش هایی که من دیده یا نمایشنامه هایی که خوانده ام - کمتر به وجه نمادین این هنر توجه شده است. هرچند بصورت طبیعی پیدایش یک گونه نمایش در دل خود متضمن معرفی نمادهای جدید - حداقل در عرصه نمایش - هم هست، اما به نظر می رسد توجه به نمادها و قراردادن آنها در مسیر فهم مخاطب، کمتر به عنوان یک اصل در تئاتر دفاع مقدس بررسی و مورد تأکید بوده است. فقدان نمادگرایی متناسب با مفاهیم ارزشی و شکل خاص این تئاتر فرصت تعمیق را از آن گرفته و برخی از اجراها را تا پایین ترین سطح خود تنزل داده است.

نتیجه گیری

از مجموع این بررسی تطبیقی بین برخی از ویژگی های مهم نمایش های مذهبی و نمایش هایی که اصطلاحاً در حوزه تئاتر دفاع مقدس جای می گیرند می توان چنین نتیجه گرفت که علی رغم تصور عمومی نمی توان تئاتر دفاع مقدس را در گروه نمایش های مذهبی جای داد. با این وجود، به علت تأثیرپذیری تئاتر دفاع مقدس از مبانی ایدئولوژیک یک حکومت دینی و نشانه هایی که در برخی از موارد آنرا شبیه به یک نمایش مذهبی می کند، ممکن است این قابلیت را داشته باشد تا با استفاده از عناصر نمایش های مذهبی خود را به این گونه از نمایش ها نزدیک کند.

شاید سئوال بوجود آمده برای خواننده مقاله حاضر این باشد که اهمیت نزدیک شدن تئاتر دفاع مقدس به نمایش های مذهبی چیست؟ در پاسخ به این سئوال باید اذعان کنم که عمیقاً معتقدم نمایش های مذهبی به همراه تمامی ویژگی های منحصر به فردشان در طول تاریخ نمایش همواره به عنوان نمایش هایی پرمخاطب و تأثیر گذار مطرح بوده اند. استفاده از عناصر این نمایش ها در تئاتر دفاع مقدس شاید بتواند به عنوان راهی در جهت عمومیت بخشی این تئاتر، ماندگاری آن در تاریخ و ایجاد زمینه تحول آن در اعصار مختلف متناسب با نیازهای روحی، روانی، اجتماعی و فرهنگی مخاطبین مورد توجه قرار گیرد. پیوند تئاتر دفاع مقدس با ذهنیت دینی و آئینی مخاطبین، این نوع از تئاتر را به منبعی متصل خواهد کرد که کمترین نتیجه اش پذیرش عمومی از سوی تماشاگران است.

فهرست منابع:

Arnott, Peter (1991), "Publican Performance in the Greek Theatre", Routledge
Bralove, Jacquelyn (2000), "The Religion Art of American Natives", Essay in the book of: The mystery and secret of religion art; Firozan, Mahdi (Ed) Sorosh Publisher, Tehran, Iran
Carlson, Marvin (1989), "Places of Performance: The Semiotics of Theatre Architecture", Cornell University Press
Cassady, Marsh (1997), "Theatre, an Introduction", NTC Publishing Group, USA
Comstock, Richard [G.Ed] (1971), "Religion and Man, An Intro duction", Harper and Row Publishers
Hunningher, Benjamin (1967), "The origin of the Theatre", New York
Lowie, Robert (1998), "Primitive Religion", liveright Publishing Corporation
Nasr, Hosein (2000), "The Religious Art, The Traditional Art, The Sacred Art", Sorosh Publisher, Tehran, Iran
Noss, John (1956), "Man's Religion", The Macmilan Company
Smart, Ninian (1969), "The Religious Experience of Mankind", Charles Scribners Sons, New York
Wickham, glynne (1987), "The Medieval Theatre", 3d Ed, Cambridge University Press